

احساس سوختن به تماشا نمی‌شود

گزارش میدانی هم‌میهن از آخرین وضعیت امدادگری ماموران، مددکاران و مردم در بندرعباس و اسکله شهید رجایی

بچه‌ها برای انرژی، قهوه نیاز دارند. این دوروز که جهنم بود، امروز کمی بهتر شده و چند چادر برای استراحت‌شان زدند. تا قبل از این مشکل آب سرد و محلی برای استراحت داشتند، اما خوب کار را جمع کردند.»

این سهرورز برای محمد هم جهنم بود و می‌دانست اگر حریق به سمت دیگر رسیده بود، به راهش ادامه می‌داد. «دیروز اینجا یک راه باز کردند، خاک ریختند و یک ردیف از کانتینرها را برداشتند که آتش به سمت دیگر کشیده نشود. سمت غرب اسکله از همان روز دوم شروع به کار کرد. در کانتینرها هرنوع محصولی پیدا می‌شد؛ یخچالی و غیر یخچالی.» با دست کیوسک پشت سرش رانسان می‌دهد که متعلق به دوست‌اش بود و حالا سوخته است؛ از مفقودی‌ها و آدم‌های داخل اسکله می‌گوید: «در محوطه فقط همان نیروهای تخلیه، بارگیری و بهداشت ایمنی هستند. تعدادشان نمی‌تواند خیلی باشد. داخل محوطه راننده‌های ویج، باسکولچی و... هم بودند.»

محمد برای دو آتش نشان کشتیرانی، قهوه آماده می‌کند که از صبح شیفت‌شان شروع شده: «صبح زود آمده‌ایم، کم آوردیم.» یک‌نفر راننده است و آن دیگری نیروی عملیاتی و هر دو روز اول را در شیفت‌های ۲۴ ساعته در اسکله مانده بودند. «حجم آتش و دود نسبت به روز اول کمتر شده. معلوم نیست چه باری داخل آنها بوده است اما قیر هم بوده. آن دود غلیظ سیاهی که دیده می‌شد به دلیل سوختن قیر است. شب قبل هم به هسته حرارتی رسیدند. دارد تمام می‌شود دیگر. آنقدر حرارت بالا بود که نمی‌شد نزدیک شد.» محمد می‌گوید، مردمی را دیده که از داراب، کرمان، جهم، کنگان و دیر برای امداد رسانی آمده بودند: «تا نقطه آخر خاموش نشود، نمی‌شود تعداد را اعلام کرد. ذوب شده‌اند. شش نفر را از یک‌جا بیرون آوردند، اصلاً نمی‌توانند شناسایی کنند.»

▼ مددکاران، تمام‌قد کنار مردم

نجمه بهاری، مددکاری که در مرکز خیریه مهرآفرین در بندرعباس کار می‌کند، روزهای غمگین و شلوغی را می‌گذراند. امید اما هنوز در دلش زنده است، همانطور که هنوز شعله‌های آتش در اسکله. او به «هم‌میهن» می‌گوید، مردم در چند روز گذشته واقعاً برای حادثه اسکله شهید رجایی سنگ‌تمام گذاشته‌اند: «بسیاری از مردم برای اهدای خون به مراکز مراجعه کردند. باوجود اینکه اعلام شده دیگر نیازی به اهدای خون نیست، مردم هنوز هم به این مراکز می‌روند. بیمارانی را که وضعیت حادی دارند به شیراز منتقل می‌کنند، خود مردم دست به کار شده، با شیرازی‌ها تماس می‌گیرند و آنها هم به‌صورت رایگان جای ماندن برای همراهان بیمارانشان فراهم می‌کنند. حتی بعضی از هتل‌ها و مسافرخانه‌ها هم اتاق رایگان در اختیار این افرادی که از بندرعباس به شیراز می‌روند، می‌گذارند.» بهاری می‌گوید، مراکز خیریه در بندرعباس تمام تلاش‌شان را در این چند روز کرده‌اند که بتوانند با

▼

**نجمه بهاری،
مددکاری که در
مرکز خیریه مهرآفرین
در بندرعباس کار
می‌کند، روزهای
غمگین و شلوغی
را می‌گذراند. امید
اما هنوز در دلش
زنده است، همانطور
که هنوز شعله‌های
آتش در اسکله.
او به «هم‌میهن»
می‌گوید، مردم در
چند روز گذشته
واقعاً برای حادثه
اسکله شهید رجایی
سنگ‌تمام گذاشته‌اند**

▼

▼

▼

▼

روایت امدادگران
امدادگرها آن چند ساعت استراحت کوتاه را در چادرهای هلال‌احمر دورتر از محل انفجار می‌گذرانند. مثل نیما عابدینی، نجاتگر یک جمعیت هلال‌احمر که فعلاً متوقف شده و منتظر است شرایط بهتر شود تا عملیات جست‌وجو ادامه پیدا کند: «امروز به‌دلیل دود سمی کمی عملیات جست‌وجو محدود شده بود تا دود فروکش کند و دوباره عملیات جست‌وجو آغاز شود. حادثه‌هایی که حالت انفجاری و آتش‌سوزی باشد، دیده بودیم اما این با همه فرق داشت. وقتی رسیدیم، شدت آتش آنقدر بالا بود که در فاصله یک کیلومتری مستقر شدیم. خانواده‌هایی که اینجا کار می‌کردند هم اینجا آمده بودند، اما به‌دلیل شدت حادثه و ترافیک، غیر از دستگاه‌های امدادی کسی دیگر اجازه ورود به محل نداشت.»

دورتر از او، نیروهای اورژانس منتظرند زمان کارشان برسد. حجم کارشان کمتر شده و حالا بیشتر امدادگرهای گرم‌زده به آنها ارجاع داده می‌شوند. تیم‌های اورژانس شهرهای اطراف هم از سهرورز پیش به بندر رسیده‌اند. تیم بحران اورژانس فسا هم بعد از فراخوان اورژانس کشور خودش را رسانده است. جاسم حقایی، یکی از همین نیروهاست و از شنبه در منطقه مانده است. ساعات‌های اول حادثه مصدوم‌های سوختگی، ترومای ناشی از پرت‌شدن و ضربه‌خوردن را منتقل می‌کردند و آنهایی که به کمک‌های تخصصی‌تر نیاز داشتند، به اصفهان و کرمان ارجاع داده شدند. چند نفر از بیمارانی که مشکلات چشمی داشتند هم به تهران منتقل شدند. غیر از فسا از داراب، جهرم، جیرفت، سیرجان و لاز هم آمده‌اند: «امروز به‌نسبت، بیماران عادی کمتر شده است و الان بیشتر خدمات به آتش‌نشان‌هایی است که دچار گرم‌زدگی یا آسیب می‌شوند. بدترین مصدومانی که منتقل کردیم، آنهایی بودند که سوختگی بالایی داشتند و احتمال فوت‌شان بالا بود. چون بندرعباس مرکز سوختگی قوی ندارد، آنها را به شهرهای دیگر منتقل می‌کنند. به‌دلیل شرایط منطقه و تامین امنیت، اجازه ورود گروه‌های غیرامدادی به مناطق داده نمی‌شود. خانواده‌ها وقتی خبردار شدند، بیشتر سمت بیمارستان‌ها می‌رفتند؛ چون سریع به بیمارستان‌ها منتقل می‌شدند.»

▼ هر چه توانستیم کردیم

مردم در همه سهرورز گذشته، چه آنها که بوده‌اند و چه آنها که خودشان را به شهر آتش رسانده‌اند، هر چه توانسته‌اند برای هم کرده‌اند. حالا کنار نیروهای امدادی و نزدیک به محوطه سوخته، مردی نشسته که در اسکله مغازه‌ای دارد و بعد از انفجار تعطیل شد. او سهرورز گذشته را در همان محوطه مانده که برای نیروهای امدادگر قهوه درست کند. «در محوطه فقط همان نیروهای تخلیه، بارگیری و بهداشت ایمنی بودند. تعدادشان نمی‌تواند خیلی باشد. داخل محوطه راننده‌های ویج، باسکولچی و... هم بودند. شاید بتوانم گوشه‌ای از کار را بگیرم؛

سارا سبزی و نسیم سلطان‌بیگی

گروه جامعه

لکه‌های آتش و دود هنوز هم از میان کانتینرهای سوخته بندر شهید رجایی بلند می‌شوند. کانتینرهای درهم‌فشرده از حرارت سوختن اجناس دیوشده که به کوره‌های آهن تبدیل شده‌اند؛ داغ، سنگین و دودآلود. دمای هوای بندر به ۲۸-۳۷ درجه رسیده و دود و آتش کمتر شده اما هنوز هم آن حجم سیاه از جاده‌های دور از اسکله هم دیده می‌شود. فاجعه تا روز دوم، ۷۰ کشته رسمی دارد و تعداد مفقودین یا جنازه‌هایی که شناسایی نشدند با فوتی‌ها برابری می‌کند. این آماری است که وزیر کشور، همین دیروز اعلام کرد، اما امدادگران می‌گویند تا وقتی به اندازه یک کف دست هم آتش باشد، عدد قطعی وجود ندارد.

به نقطه آن انفجار بزرگ که نزدیک‌تر می‌شوی، غبار و گرما را روی پوست صورت بیشتر احساس می‌کنی. از میان راه رسیدن به اسکله، هرچند کیلومتر، یک ایست بازرسی ایستاده و بدون مجوز، ورود به منطقه ممنوع است. غبار، گرما و باد داغ روی پوست به‌هم می‌رسند و نفس کشیدن زیر ماسک‌های یک‌لایه و چندلایه را سخت‌تر می‌کند. تعداد کانتینرهای سوخته که بیشتر می‌شود، یعنی به بخش شرقی اسکله نزدیک‌تری. انفجار همه ساختمان‌های اطراف را درهم‌پیچیده و دیوارهای سیاه، شیشه‌های شکسته و تصویر دوربین‌های مدار بسته از آن باقی مانده است. حالا همه عملیات روی یک نقطه متمرکز کرده که از روزهای قبل کوچک و کوچک‌تر شده.

«ریج»‌ها مثل سهرورز گذشته کانتینرهای گداخته را از روی هم برمی‌دارند و چند ثانیه بعد، دود پنهان‌شده بیرون می‌زند. با هر بار بلند کردن کانتینرها، حجم عظیم قووم روی آن تکه‌های بزرگ آهن درهم‌مچاله‌شده، پخش می‌شود تا از حرارت‌شان کم شود. کانتینرهای فشرده‌تر با زنجیر و لوهر از هم جدا می‌شود تا بالاخره آتش‌های کوچک پنهان، خاموش شوند. نیروهای امدادی تا بکشنیه‌شب به حریق مرکزی دسترسی نداشتند؛ چون حجم آتش اجازه رسیدن به آن را نمی‌داد. دود هنوز هم از موادسوخته داخل کانتینرها بلند می‌شود و قوم و آب به مرکز حریق می‌رسد که کانون آن فقط یک نقطه است. بعد از انفجار دو منطقه کانتینتری آتش می‌گیرند اما در نهایت به‌هم می‌رسند.

ورقه‌های فلزی سنگین روی ریل‌های وسط اسکله جابه‌جا می‌شود و غرب بندر هنوز فعال است. فقط بخش شرقی دست از کار کشیده تا محوطه از کانتینرهای باقی‌مانده سوخته خالی شود. جبهه‌های فلزی پرشده از کالای یخچالی و غیر یخچالی که کنار هم دیو شده بودند؛ از پای مرغ و ماهی منجمد تا شیشه آمپول. باد روی بندر می‌چرخد و جهت دود را تغییر می‌دهد و گاهی کار را برای امدادگران و آتش‌نشان‌ها سخت‌تر می‌کند. خودروهای امدادی صنایع مختلف اطراف بندر، تجهیزات و نیرو فرستاده‌اند و تیم‌ها بعد از ۱۲ ساعت کار، شیفت را به گروه بعدی می‌سپارند. هُرم گرمای بندر کنار آن تکه‌های آهن داغ، نفس می‌برد.



هشدار در تهران

رئیس سازمان مدیریت بحران شهر تهران با اعلام هشدار نسبت به وقوع طوفان در تهران طی سهرورز، از شهروندان خواست که تا پایان زمان شرایط نامساعد جوی، در محلی امن توقف کنند. علی نصیری با اشاره به توفان عصر روز یکشنبه در تهران گفت: «روز یکشنبه، سازمان هواشناسی فرصت کافی برای اعلام هشدار به سازمان مدیریت بحران شهر تهران نداشت؛ با این حال در طول روز جاری (۸ اردیبهشت‌ماه) هشدار صادر شده است.» او با توصیه به شهروندان تهران گفت: «شهروندان تهران در روزهای ۹، ۱۰ و ۱۱ اردیبهشت‌ماه آمادگی مواجهه با شرایط جوی مخاطره‌آمیز را داشته باشند؛ هرچند ممکن است که وزش باد ضعیف‌تر از روز یکشنبه رخ دهد اما وزش باد با سرعت ۹۰ تا ۱۱۰ کیلومتر در ساعت، باد شدیدی است. مردم برای انجام کارهایی مانند تنظیم آنتن تلویزیون تا پس از پایان طوفان صبر کنند، چراکه آن‌ها را در معرض طوفان و رعدوبرق قرار خواهند گرفت. طوفان در هر منطقه از تهران بیشتر از ۳۰ دقیقه تا یک ساعت توقف نخواهد داشت و عبور می‌کند.»



فوت ۲۲۶ عابر پیاده

رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ با اشاره به فوت ۲۲۶ عابر پیاده در تصادفات سال گذشته در تهران گفت که ۴۰ درصد از عابرین پیاده در تصادفات فوتی پایتخت مقصر شناخته شدند. به گزارش ایسنا، سرهنگ رابعه جوانیخت درباره تصادفات عابرین پیاده و میزان سهم تقصیر این گروه از کاربران ترافیکی در حوادث گفت: «در میان کاربران ترافیکی، عابرین پیاده از گروه‌های آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند که با وجود مسئولیت‌های قانونی، گاهی دچار سهل‌انگاری در تردد شهری می‌شوند. آمار نشان می‌دهد در سال گذشته، ۲۲۶ نفر از عابرین پیاده در تصادفات فوت شده و ۶۰۴۱ نفر نیز مجروح یا تعدادی دچار نقص عضو شدند که این ارقام ضرورت توجه ویژه به ایمنی عابرین را دوچندان می‌کند. متأسفانه در تهران، بیشترین میزان تصادفات منجر به فوت عابرین، مربوط به عبور غیرمجاز از بزرگراه‌هایی مانند آزادگان، زین‌الدین و شهید یاسینی است.»



هشدار روانشناسان در باره انفجار

به دنبال انفجار در بندر شهید رجایی بندرعباس و جان‌باختن شماری از شهروندان و داغدارشدن خانواده‌ها، رئیس شورای نظام روانشناسی و مشاوره استان هرمزگان، از آمادگی برای ارائه خدمات روانشناختی و مشاوره‌ای به آسیب‌دیدگان و خانواده‌های آنان خبر داد. موسی جاودان در این باره گفت: «در پی انفجار مهیب و دلخراش روز شنبه (۶ اردیبهشت‌ماه) در بندر شهید رجایی بندرعباس و جان‌باختن و مجروح شدن جمعی از کارکنان، کارگران و سایر شهروندانی که در این روز در آنجا مشغول کار بوده‌اند، موجب تأسف و تأثر ملت ایران شده است.» او ادامه داد: «نظام روانشناسی و مشاوره استان ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های داغ‌دیده و آرزوی سلامتی و عافیت برای مجروحین این حادثه غم‌انگیز، جهت هرگونه حمایت و ارائه خدمات روانشناختی و مشاوره‌ای جهت آرامش‌بخشی و تسکین حال خانواده‌های آسیب‌دیدگان، آمادگی خود را اعلام می‌کند و از تمام شهروندان تقاضا دارد از پخش و انتشار صحنه‌های دلخراش مربوط به این حادثه از جمله برای کودکان و افراد حساس اجتناب کنند.»